

من دارم از مصیبت بم آتش میگیرم!

اگر مردم ایران همین امروز و فردا علیه جمهوری اسلامی شورش نکنند من یکی دیگر دورشان را خط میکشم. من اگر در تهران بودم و آن صحنه های وحشتناک در هم کوبیده شدن خانه های خشت و گلی را از تلویزیون میدیدم یک لحظه هم تردید نمیکردم. از خانه بیرون می پریدم داد میزدم "مرگ بر جمهوری اسلامی". داد میزدم "حکومت اسلامی قاتل مردم بم". آن قدر داد میزدم و شعار میدادم که یا همه از خانه هایشان بیرون بریزند و به حساب این مفت خورهای احمق زورگوی چپاولگر عهد عتیقی برسند یا همین کثافتهای بسیجی و پاسدار مرا بگیرند و هر غلطی میخواستند بکنند. نعره میکشیدم که این کثافات دزد و چپاولگر را که ثروت این مملکت را مدام دارند می چاپند و ککشان هم نمیگذرد که صدها هزار انسان روی خط زلزله دارند در خانه های گلی زندگی میکنند، باید به صلابه کشید. من طرفدار اعدام نیستم. اما شما چه احساسی پیدا کردید وقتی در خبرها شنیدید که "دولت عده ای طلبه را به بم اعزام میکند تا بر جنازه ها نماز بگذارند و مراسم اسلامی برای قربانیان زلزله انجام دهند"؟ **من واقعا.... خونم به جوش آمد.** فکر کردم اگر هر قانونی استثنایی دارد آیا نباید قانون لغو اعدام هم استثنایی داشته باشد؟ آیا نباید آن لاشخورهای بی مغز خالی از انسانیتی را که میخورند و میکشند و میچاپند و بعد بجای نیروی امداد، لشکر طلبه سر جنازه عزیزان مردم میفرستند را حسابشان را حسابی کف دستشان گذاشت؟ من حتما این کار را نمیکنم. اما به من اجازه دهید که اکنون که بغض گلویم را گرفته خودم را سانسور نکنم و حداقل در فکر و خیال دق دلی خودم و آن زنان و مردان داغدار را که دردشان بی انتهاست، خالی کنم. من دارم از مصیبت بم آتش میگیرم. زلزله ای به قدرت $7/5$ درجه ریشتر در کالیفرنیا آمد و هیچکس از دماغش خون نیامد. اما در رودبار ده دوازده سال پیش زلزله ای از این ضعیف تر $50 - 40$ هزار نفر را کشت و زلزله ای از رودبار ضعیف تر در بم سی چهل هزار نفر و من فکر میکنم بسیار بیشتر را دیروز در زیر خاک مدفون کرد. این رقم براستی بهت آور است. میفهمید؟ بهت آور است! جان انسانها آنقدر بی ارزش شده است که وقتی کشته میشوند اسمشان را هم نمی آورند. به یک عدد در میان اعداد دیگر تبدیل میشوند. هر تک نفر این انسانها هزاران امید و آرزو را در قلب خود می پروده اند. پدر و مادر و فرزند و دوست و عزیز کسان بسیاری بوده اند. اما اکنون بدون اینکه کسی اسمشان را بداند یا بخواهد بداند در گوشه ای مدفون شده اند. دیروز میگفتند 5 هزار، امروز میگویند 20 هزار، فردا میگویند 35 هزار نفر کشته شدند. مهم نیست. ده هزار تا بیشتر یا کمتر!.. براستی چه بر سر ما مردم آورده اند؟ از چه بگوییم؟

من میدانم که مقصر کیست. شما هم میدانید که مقصر کیست. مردم بم و رودبار هم میدانند که در

آن مملکت چه دارد میگذرد. پس هرکس بگوید طبیعت مقصر است، بالای آسمانی است، یا مزخرفاتی از این قبیل باید گفت لطفا خفه شوید. ما قاتل مردم عزیز بم را خوب میشناسیم. و حسابشان را میرسیم. دیر یا زود نه! فقط به زودی!

۶ دیماه ۱۳۸۲